مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۹،
دوره اول،
سال پنجم،
زمستان ۱۳۹۹،
صص ۱-۲۱

امکان سنجی جرم انگاری بردگی جنسی در حقوق کیفری ایران

احسان رفیعی زاده[۱] سجاد چهل گردی[۲]

چکیده

بردگی جنسی به عنوان یک جرم سازمان‌یافته در قرن بیست و یکم به شکل متداولی رواج پیداکرده و در حال گسترش است و به دلیل نبود ضمانت اجرای قوی و قوانین جامع و مانعی که بتواند این لجام‌گسیختگی‌ها و بی‌حرمتی‌ها را پاسخی در حد ارزش و کرامت انسان بدهد این پدیده قرن روزبه‌روز در حال افزایش است. عواملی مختلفی از جمله مشکلات و فقر، ناآگاهی، تغییر موقعیت و عواملی از این دست سبب ساز این معضل جهانی شده‌اند. خشونت جنسی که اصطلاحی وسیعتر از بردگی جنسی است مصادیق گوناگونی را تحت پوشش قرار می‌دهد و در طول تاریخ چه در عهدنامه های بین المللی مربوط به مخاصمات مسلحانه و چه درمیان آراء صادره از محاکم بین المللی کیفری به ویژه دادگاههای کیفری یوگسلاوی سابق و روآندا طی فرآیندی به عنوان جنایت بین‌المللی قلمداد شده است که دارای عناوین مجرمانه متعددی می باشد. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی امکان سنجی جرم انگاری بردگی جنسی در حقوق کیفری ایران و حقوق کیفری بین المللی است. یافته‌ها نشان از آن دارد که، این پدیده در کشورهای غربی به‌شدت رو به افزایش است و از آن به‌عنوان یک منبع درآمد که با کمترین هزینه بیشترین سود را نصیب قاچاقچیان می‌کند می‌نگرند؛ بنابراین با جرم انگاری این جرائم در سطح ملی و بین‌المللی می‌توان کاهش این پدیده را شاهد بود، اما متاسفانه در قوانین کیفری ایران جرمی با بردگی جنسی جرم انگاری نشده است. اما در خصوص امکان سنجی جرم انگاری این پدیده می‌توان گفت با بهره گیری از اصولی مانند اصل ضرورت، مشروعیت، مصلحت عمومی و ... می‌توان گفت امکان جرم انگاری بردگی جنسی وجود دارد.

کلمات کلیدی: جرم انگاری، بردگی جنسی، خشونت جنسی، قاچاق جنسی، حقوق کیفری ایران.

مقدمه

یکی از بزرگترین نیروهای درونی جوانان، غریزه جنسی است که اگر از راه‌های اصلی و اساسی کنترل نشود، طغیان می‌کند و پیامدهای بسیار بدی برای فرد و جامعه به دنبال دارد. شاید به همین دلیل بوده است که از منظر دین اسلام و بزرگان دین همواره برای جلوگیری از اشاعه فحشاء و حفظ حرمت آبرو و حیثیت مردم در خصوص مسائل جنسی موضوع چشم پوشی، اختفاء و پرده پوشی سرلوحه کار بوده است.

[۱]-دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی **دانشگاه آزاد اسلامی** واحد شهرکرد. (ehsanrfyyzadh@gmail.com)

[۲]- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی **دانشگاه آزاد اسلامی** واحد تیران. (sajadch637@yahoo.com)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در این میان، یکی از زشت‌ترین جنبه‌های اجتماعی زندگی بشریت امروز، سوءاستفاده جنسی[1] یا همان بردگی جنسی[2] است که در چند دهه اخیر نیز گسترش دو چندان یافته و به دنبال گسترش مبادلات بین‌المللی، جهانی شدن فقر و مهاجرت، رواج و رشد رسانه‌های نوین، افزایش لجام گسیخته بردگی جنسی به عنوان یکی از جذابترین تفریحات واقعیات شرم‌آوری را در جهان امروزی رقم زده است (اسلامی و میریان، ۱۳۹٤، ۸).

البته، در این میان، مادی گرایی فزاینده و رشد مصرف‌گرایی نیز نقش مهمی در جرائم علیه افراد دارند. به نظر می‌رسد سیاست جنایی کشورها در این مقوله، علاوه بر اینکه باید به عوامل و زمینه‌های بروز این پدیده بردگی جنسی توجه بیشتری کند، بایستی بر شدت مبارزه کیفری با مرتکبین بردگی جنسی نیز بیفزاید(توجهی، ۱۳۹۵، ٦۱۷).

جرم‌انگاری فرآیندی است که به موجب آن قانونگذار با تکیه بر مبانی نظری و با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی موردنظر خویش، به تحدید آزادی‌های افراد در قلمرو جامعه می‌پردازد. در این میان در هر نظام سیاسی و حکومتی، متأثر از اندیشهٔ سیاسی حاکم بر جامعه، اقدامات کیفری قانونگذار به سمت وسوی خاصی سوق می‌یابد. بدینسان معیارهای جرم‌انگاری نیز، نسبی و متناسب با ایدئولوژی حاکم بر جامعه و نظام سیاسی طراحی و ترسیم می‌گردند. نسبی بودن معیارهای جرم‌انگاری، علاوه بر ایدئولوژی و خط‌مشی سیاسی، تا حدود زیادی از تحولات و پیشرفت‌های نوین علمی نیز نشأت می‌گیرد. در واقع، در جوامع معاصر، سیاست تقنینی کیفری اکثریت کشورهای مترقی جهان، گرایش ویژه‌ای نسبت به تجمیع دستاوردهای نوین علوم تجربی و پزشکی با ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی مورد پذیرش همگان، در مقام تدوین قواعد و هنجارهای حقوقی حاکم بر جامعه از خود نشان می‌دهند. مبانی و معیارهای جرم‌انگاری اعمال نابه هنجار نیز در هر مرحله از زندگی جوامع بشری دستخوش تغییر و تحولات عدیده‌ای می‌شوند. در واقع راهبردهای حقوق جزا ایستا نیستند و به عنوان مجموعه‌ای منسجم و پویا، پیوسته متناسب با تحولات اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در حال تغییرند (آقابابایی،۱۳۸٤، ۱۱-۱۲).

در خصوص امکان جرم انگاری بردگی جنسی می‌توان گفت برابر اصول حاکم بر جرم انگاری کیفری، می‌توان دست به جرم انگاری بردگی جنسی زد. برای مثال، برابر اصل ضرورت که مهم‌ترین بایسته در زمینه جرم‌انگاری از یک عمل است، ضرورت و ناگزیر بودن جرم شمردن آن عمل است لذا برای جرم‌انگاری از یک عمل پس از آنکه ثابت شد که رفتار براساس یک سلسله اصول نظری راجع به جرم‌انگاری (مثال اصل منع صدمه) در حیطه صلاحیت قضایی جامعه یا اقتدار دولتی قرار دارد؛ به عبارت دیگر باید اثبات شود که دولت به مداخله در حوزه حقوق و آزادی‌های شهروندان از طریق ممنوعیت یا ایجاد محدودیت کیفری مجاز می‌باشد (زینالی،۱۳۸۷، ۳۰٦-۳۰۷).

[1]- Sexual abuse
[2]- Sexual slavery

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اصل ضرورت در جرم انگاری بردگی جنسی جایگاه ویژه‌ای دارد و با اعمال این اصل به یک جرم انگاری حداقلی دست خواهیم یافت. چه آنکه به اقتضای شرایط خاص حاکم بر اجتماع به راحتی نمی‌توان قبل از رسیدن کار به مرحله جرم‌انگاری، از وقوع بردگی جنسی پیشگیری کرد.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که آیا امکان جرم امکان سنجی جرم‌انگاری بردگی جنسی در حقوق کیفری ایران وجود دارد و بر اساس چه اصولی می‌توان این اقدام را توجیه نمود؟

۱-مبانی نظری

جرم‌انگاری[1] فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند بر این اساس، جرم انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (آقابابایی، ۱۳۸٤، ۱۱-۱۲).

از نظر ماوردی، جرم عبارت است از محرمات شرعی که خداوند بر آنها عقاب حدی یا تعزیری در نظر گرفته است. عده‌ای از فقهاء تعریف جرم را توسعه داده و ارتکاب هر عمل ممنوعی را جرم دانسته‌اند خواه منع آن از ناحیه شارع باشد و یا از سوی حاکم اسلامی (دهقان،۱۳۸٦، ۱۱٦-۱۱۷).

موضوع جرم‌انگاری نیز با توجه به اینکه فرع بر وجود نظام سیاسی است اگر در حوزه ارزشهای اساسی دین باشد که در منابع فقه موضوع و حکم آن بیان شده به معنای اعلام خواهد بود و اگر در زمره مسائل مستحدثه باشد با جرم‌انگاری و تصویب حکومت اسلامی، تخلف از آن گناه و معصیت و مشمول تعریف وسیع جرم خواهد بود ولی در حوزه قانونگذاری ما با توجه به اینکه دایره محرمات شرعی منطبق بر دایره جرائم موضوعه نیست جای این سؤال باقی است که «اگر قانونگذار خواسته باشد عملی را که شرعاً حرام است جرم تلقی کند و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین کند چه میزان و ضابطه‌ای راهنمای اوست و آیا تاکنون از ضوابط حقوق عرفی پیروی کرده است یا ضوابط دیگری برای جرم‌انگاری برخی محرمات و رها کردن برخی دیگر داشته است (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۳، ۳۳۲).

اما، بردگی جنسی یا آن چه که به آن بی دی اس ام[2] گفته می‌شود شکلی از اختلالات جنسی است که هسته اصلی آن خدمت کردن و فرمانبرداری است. برخلاف سایر روابط جنسی که عشق هسته اصلی قرار می‌گیرد، در این شکل از رابطه یک فرد قبول می‌کند که قدرت فرد دیگر را بپذیرد(اسلامی و میریان،۱۳۹٤، ۸).

۲-مبانی حاکم بر جرم انگاری بردگی جنسی

[1]- Criminalization
[2]- BDSM

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مهمترین مبانی حاکم بر جرم انگاری بردگی جنسی عبارتنداز:

۲-۱-مبانی حقوقی

جرم انگاری بی ضابطه و گسترده در قوانین کیفری علاوه بر اینکه موجبات بروز آثار و تبعات سوء تورم کیفری را فراهم می‌کند با اهداف حقوق جزا نیز مغایرت دارد. وجود ضمانت اجراهایی خاص در حقوق جزا همچون سلب حیات، محدود کردن آزادی، تنبیه بدنی و ... ضرورت جرم انگاری مضیق و بر مبنای اصول را روشن می‌سازد.

جرائم بردگی جنسی و خشونت جنسی، به اقتضای ویژگی‌هایی از قبیل ، کثرت بزه دیدگان و کم سن بودن اغلب مجرمان آن، در کنار اصول عمومی، اصول و مبانی حقوقی خاصی در جرم انگاری را می‌طلبد. جرم انگاری در این جرایمهنگامی صحیح و قابل پذیرش است که بر مبنای اصولی چون ضرورت و ضرر انجام شود، همچنین ضمن احترام به حریم شخصی و حقوق افراد، باید تناسب دقیقی بین رفتار مجرمانه و نوع و مقدار مجازات داشته باشد.

در واقع می‌توان ادعا کرد جرم انگاری از یک فعل یا ترک فعل، اقدامی خطیر است که توجه به ویژگی‌ها و عوامل مختلفی را می‌طلبد، در غیر این صورت نه تنها اهداف جرم انگاری محقق نمی‌شود، بلکه اقتدار حقوق کیفری نیز دچار صدمات جبران ناپذیر خواهد شد. جرم انگاری کارآمد و مؤثر یکی از دغدغه‌های جدی نظام قانونگذاری در هر کشوری است. در صورتی که جرم انگاری به صورت غیرکارشناسی و بدون رعایت اصول و قواعد صورت بگیرد در عمل شاهد خواهیم بود که با قوانین ناعادلانه فرصتها را برای افراد جامعه محدود می‌کنند و یا و یا قوانین با وجود آنکه پشتوانه کیفری دارند اعتباری نزد افراد ملت ندارند و توسط افراد آنها اجرا نمی‌شوند و بدین ترتیب علاوه بر اینکه برشمار قوانین متروک افزوده می‌شود، اقتدار و صلابت حقوق کیفری نیز در هم می‌شکند (جوان جعفری،۱۳۸۹، ۱).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم به تفصیل حقوق و آزادی‌های ملت را برشمرده است که به خوبی نشانگر موضع گیری قاطع نظام جمهوری اسلامی در برابر هر گونه خودکامگی قانونگذار در امر جرم انگاری است. جرم انگاری نیز به حکم بداهت عقل و به عنوان شرط لازم برای مشروعیت جرم انگاری و تعیین مجازات، تنها از طریق قانون موضوعه امکان پذیر می‌باشد. اصل ۳۶ قانون اساسی بر این مهم تأکید ورزیده است. مطابق این اصل: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالحه و به موجب قانون باشد».

سؤال بنیادی در مورد فرایند جرم انگاری این است که آیا قانون گذاران مجازند با اتکا به قدرت و سلطه رسمی بر افراد جامعه، به طور مطلق یک رفتار را جرم محسوب کنند و برای مرتکب رفتار، مجازات در نظر گیرند؟ بی شک اگر این فرض پذیرفته شود نفس موقعیت و مقام قانونگذار به عنوان عامل مشروعیت بخش در امر جرم انگاری کفایت خواهد کرد. برخی دیدگاه‌های پوزیتیویستی[1] چنین شائبه‌ای را ایجاد می‌کنند، اما مشروعیت قانونگذار با مشروعیت جرم انگاری توسط قانونگذار دو مقوله مستقل است. شکی نیست که قانونگذار باید از طریق قانونی به قدرت رسیده باشد، با این حال

[1]- Positivism

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

رسمیت قانونگذار برای مشروعیت بخشی به جرم انگاری تنها شرطی لازم است ولی شرطی کافی نیست. اصل ۳۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالحه ثابت گردد».

بنابراین در مقام جمع بین حقوق افراد و جامعه ابتدا باید در راستای اصول آزادی، اباحه و برائت، از جرم انگاری خودسرانه امتناع ورزید و در آخرین مرحله و در راستای صیانت از نظم و هنجارهای جامعه در برابر صدمه زنندگان قابل سرزنش، از شیوه قهرآمیز جرم انگاری و مجازات سود جست. درواقع جرم انگاری اساساً امری خلاف اصل خلاف اصول اباحه و برائت بوده و تنها در موارد خاص یعنی در مواردی که یک رفتار به قدر کافی زیان بار و سرزنش آمیز باشد مشروعیت خواهد داشت. این امر قانونگذاران را از جرم انگاری گسترده رفتارها منع می‌کند و آنها را ملزم می‌سازد تا جرم انگاری را به مواردی که یک رفتار، صدمه و سرزنشی شدید در پی دارد محدود سازند؛ بنابراین پیش شرط جرم انگاری، رعایت اصل صدمه و سرزنش است. اگر رفتاری که قانونگذار آن را جرم شناخته است به قدر کافی صدمه و سرزنش در پی نداشته باشد حقوق و آزادی‌های افراد جامعه مخدوش خواهد شد و مردم عملاً از دستور قانونگذار مبنی بر عدم ارتکاب چنین رفتاری سرپیچی خواهند کرد. برای مثال جرم انگاری قتل عمدی، کلاهبرداری، سرقت و خیانت در امانت قابل توجیه‌اند و از مبنایی مشروعیت بخش بهره می‌برند. جرائم مذکور با هر دو اصل صدمه و سرزنش مطابقت دارند، زیرا از یکسو به امنیت، جان یا مال افراد صدمه وارد می‌سازند و از سوی دیگر تقبیح و سرزنش اخلاقی و اجتماعی را بر می‌انگیزند. هرچند مشروعیت جرم انگاری منوط به سرزنش آمیز بودن رفتار و زیان بار بودن آن است، اما وزن هریک از اصول سرزنش و صدمه نزد حقوقدانان و مفسرین قانون یکسان نیست. قطع نظر از ترجیح یکی از این اصول در فرایند جرم انگاری، باید به این مطلب یقین داشت که جرم انگاری و مجازات همچون هر نهاد دیگری تنها در جای خود می‌تواند رسالت خویش را ایفا کند و گسترده کردن حدود و ثغور آن موجب پیامدهای نامطلوب دیگری می‌شود. استفاده ابزاری از حقوق کیفری برای ارزش گذاری یک مهم در جامعه، نه تنها بی اثر است بلکه موجب پایمال شدن ارزش مورد نظر و لوث شدن ابزارهای حقوق کیفری و در مجموع نقض غرض قانونگذار می‌شود (جوان جعفری،۱۳۸۹، ۳-۵).

۲-۲-مبانی اخلاقی

وقوع رفتارهای مغایر با عفت و اخلاق عمومی در هر اجتماع امری مسلم و انکارناپذیر است. آنچه در این میان به نظر مهم می‌رسد، نوع واکنش اتخاذ شده از سوی حکومت در قبال رفتارهای نامبرده است. راهبرد انتخاب شده از سوی برخی جوامع نشان جرم انگاری آنها در چارچوب حقوق کیفری دارد. اینکه چه رفتاری را باید ممنوع اعلام کرده و کدام یک را می‌توان از دایره اعمال قانونی خارج کرد، سؤالاتی است که باید در حوزه‌های فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق برای آنها پاسخی یافت. هر نظام حقوقی نسبت به مبانی اندیشه و عقاید خود محدوده جرمها و مجازات‌ها را تعیین می‌کند. نظام حقوق غرب متأثر از اندیشه‌های لیبرالیستی گرایش حداقلی حمایت از اخلاقیات را انتخاب کرده است. برخلاف آن، نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران بنا دارد از اخلاق حمایت بیشتری کند. از سوی دیگر کاهش تورم کیفری مساله

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

روز دستگاه‌های قضایی و انتظامی بوده و نه تنها در جامعه ما بلکه موضوع بحث جامعه جهانی است. متأسفانه در ایران به این مقوله کمتر پرداخته شده است (وروایی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۳).

خیلی پیچیده نیست اگر معتقد باشیم انسجامی آشکار در اهداف حقوق کیفری و اخلاق وجود دارد. نهادهای کیفری به دنبال تحقق عدالت‌اند و این خود مفهومی اخلاقی است. مهم‌ترین وابستگی میان حقوق جزا و علوم انسانی مربوط به علم اخلاق است. گاه رعایت نکردن مقررات اخلاقی واکنش خفیف اجتماعی را به دنبال دارد که به طور معمول با نکوهش، سرزنش و توبیخهای اخلاقی خفیفی همچون بی اعتنایی همراه است، اما اگر به دلیل اهمیت برخی از مقررات اخلاقی، عکس العمل شدید باشد مجازات یا اقدام‌های تأمینی پاسخگوی عمل ضداخلاقی است که عنوان جرم می‌گیرد (وروایی و همکاران، ۱۳۹۳، ٤٩).

اگر نخواهیم مجازات‌ها را فقط ضمانت اجرای اخلاقیات بدانیم بی تردید در کنار ضرورت‌هایی که قانونگذار را وامیدارد تا قوانینی موردنیاز اجتماع وضع کند، باید پذیرفت که بسیاری از قوانین وضع شده دیگر برای جلوگیری از گسترش رفتارهای غیراخلاقی است. پس به طور اختصار در مورد مفهوم پدیده مجرمانه و نسبت آن بااخلاق می‌توان گفت هرچند رایج‌ترین تعریف از جرم، نسبت به کنش‌های مخالف نظم اجتماعی انجام می‌شود اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت بی تردید همین مفهوم نظم اجتماعی بدون توجه به گرایش‌های اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست. حقوق کیفری ایران نیز بیش از هر چیز در جرم انگاری رفتارهای ممنوعه متأثر از اخلاق بوده و به عبارتی دیگر بیشتر قوانین و اصول در حیطه حقوق کیفری ریشه در قواعد اخلاقی دارند. رابطه حقوق و اخلاق سؤال تازه‌ای نیست و همواره متفکران به ویژه فلاسفه حقوق به این موضوع پرداخته‌اند اما رابطه حقوق کیفری به عنوان ضمانت اجرای مقررات حافظ نظم اجتماعی با اخلاق چندان بررسی نشده است. استاد مطهری اخلاق را عبارت از علم زیستن یا علم چگونه باید زیست می‌داند (مطهری، ۱۳۹۰، ۳٥٦).

بنابراین گاهی نگاه صرف جامعه شناسانه اخلاق را به صرف رفتارهای پذیرفته شده اجتماعی و نفوذ یافته تقلیل می‌دهد. به بیان دیگر هر آنچه را که عموم می‌پسندد و عقاید عمومی می‌پذیرد صرفنظر از آرمان‌ها و اعتقادات مذهبی، اخلاق است.

۲-۳-مبانی فلسفی

در این بخش در پی پاسخگویی به این سؤال برمی آییم که چرا باید بردگی جنسی و جرایم مرتبط با آن از جمله خشونت جنسی و قاچاق جنسی انگاری صورت بگیرد؟ علت و چیستی این امر چیست؟ دلایل و توجیهات متعددی را می‌توان برای جرم دانستن این اعمال و رفتارها نام بردند؛ دلایلی مانند اینکه گاه این اعمال باعث صدمه زدن به خود شخص و یا انسان دیگری می‌شود؛ که به آن اصل ضرر گفته می‌شود و در قالب این اصل به تحلیل فلسفی جرم می‌پردازند. همچنین از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

جهت دیگر دخالت کیفری در اعمال و رفتار انسانها موجه نیست مگر در عملی که هم لازم است کنترل شود و هم قابلیت کنترل و نظارت را دارد (حاجی ده آبادی و فلاحی،۱۳۹۱، ۱).

قاعده لاضرر به معنی نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام است (مشکینی،۱۳۷٦، ۲۰۳).

قاعده لاضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است. آنچه حائز اهمیت است، قابلیت نهفتگی اختلال‌ها در رفتار انسان‌ها، نسبت به نوعی از هنجارها و ارزش‌های جامعه است که به حکومت مجوز برخورد کیفری یا غیر کیفری را می‌دهد؛ حال بسته به اهمیت و ارزشمندی این هنجارها برخورد جامعه متفاوت می‌شود. گاهی رفتار از چنان اهمیتی برخوردار نیست که مستلزم مداخله حقوق کیفری باشد و بیشتر رنگ اخلاقی به خود می‌گیرد و ضمانت اجرای آن بیشتر سرزنش و قبح گروهی است که از آن به عنوان (انحراف) یاد می‌کنند (محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ۸۱).

گاهی نیز رفتار از خطوط قرمز ارزش‌ها و اصول جامعه عبور می‌کند و تا درجهای مخاطره آمیز می‌شود که دارای ویژگی غیرقابل تحمل می‌گردد، درنتیجه توقف آن لازم می‌آید. در این مرحله است که اجتماع یارای تحمل آن رفتار را ندارد و با ضمانت اجرای کیفری به آن پاسخ می‌دهد. حال، اینکه در گذار این فرآیند چه اصولی و با چه درجه‌ای از اهمیت زیر پا گذاشته می‌شود که قوای عمومی، مجاز به ورود در منطقه آزاد رفتاری شهروندان می‌شود و قلمرو کنترلی خود را توسعه می‌دهد، اتفاق نظر وجود ندارد. لکن در سنت فلسفی و حقوقی غربی یکی از مهم‌ترین اصولی که از آن با عنوان‌های اصول محدود کننده آزادی و اصول مشروعیت بخش اجبار یاد می‌شود، اصل ضرر است که در بسیاری از نظامهای حقوقی، مبنایی معقول برای تحدید آزادی فردی و امکان مداخله قدرت عمومی و نه لزوماً اقدام کیفری پذیرفته شده است (محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ۱۱۸).

۲-٤-مبانی فقهی

مبانی نظری جرم انگاری بردگی جنسی که نقش مهمی در توجیه جرم دانستن و برخورد با این چرایی جرم انگاری این گونه مراکز دارد، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- ضرورت حفظ ارزش‌های اخلاق و کرامت انسانی: بدون تردید از دید اسلام، زن موجودی ارزشمند و شریف است. خداوند متعال در آیه‌های فراوانی از قران کریم به این امر اشاره کرده است. در قران کریم خداوند را برای به خاطر آفریدن انسان احسن الخالقین نام نهاده است، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ(مؤمن/١٤) و هنگام بیان نقشه خلقت انسان به فرشته‌ها، از او به عنوان خلیفه و جانشین خود یاد کرده است. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيها مَنْ يُفْسِدُ فِيها وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره/۳۰) و فرشتگان را به سجده و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کرنش در برابر او امر نموده است، وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ(بقره/ ۳٤).

خداوند برای نشان دادن هرچه بیشتر مقام و ارزش انسان، خطاب به ابلیس می‌فرماید چه چیز مانع تو شد تا در برابر آنچه که با دو دست خویش آفریده‌ام، سجده نکردی؛ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ(سوره ص/ ۷۵)، این تعبیر، یعنی: انسان با دو دست خدا، نشان دهنده آن است که انسان گوهری ارزشمند است؛ زیرا این تعبیر هنگامی به کار می‌رود که در انجام کاری احترام ویژه ای منظور شده باشد. از این رو می‌توان گفت، یکی از معیارها و ملاکهای اصلی که شارع مقدس اسلام در ایجاد عناوین مجرمانه مدنظر قرار داده است، توجه و عنایت به ارزش‌های اخلاقی و رعایت حرمت آنها بوده است. آن دسته از رفتارهایی که در شریعت مقدس اسلام ممنوع و جرم تلقی شده‌اند با ارزش‌ها و فضایل اخلاقی در تغایر می‌باشند؛ به گونه‌ای که هر صاحب ذوق سلیم به این امر گواهی می‌دهد.

۲- حفظ کیان خانواده: نهاد مقدس خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه اسلامی و اصلی‌ترین رکن آن در شریعت مقدس اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای اهمیت فراوانی است. قران کریم آفرینش همسر برای انسان را یکی از نشانه‌های الهی دانسته و می‌فرماید و از نشانه‌های الهی این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفریده تا در کنار آنها آرامش یابید؛ و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ(سوره روم/آیه ۲۱).

۳-حفظ سلامت انسان: یکی دیگر از آثار شوم مسائل جنسی همراه با خشونت به مخاطره انداختن سلامت انسان و آلوده کردن او به انواع بیماری‌ها می‌باشد. شیوع بیماریهای عصبی و روانی در اثر مسائل جنسی گریبان گیر جامعه می‌گردد؛ که آمارهای زیادی نیز در این زمینه از سوی مجامع تحقیقاتی و پزشکی ارائه شده است. که این موارد ضرورت جرم انگاری بردگی جنسی را نمایان می‌سازد (داداش پور، ۱۳۹٤، ۵۰-۵۲).

۳-بردگی جنسی و اصول جرم انگاری

۳-۱-اصل مشروعیت

مطابق مبانی فقهی چون مجازات نوعی تصرف در مال، جان، عضو، آزادی و حیثیت دیگری می‌باشد، پس نوعی ولایت بر دیگری است و اصل اقتضای آن را دارد که کسی بر دیگری ولایت ندارد مگر اینکه دلیل قطعی بر آن وجود داشته باشد. این امر قانونگذاران را از جرم انگاری دلبخواه و گسترده رفتارها منع و آنان را ملزم می‌کند تا جرم انگاری را به مواردی محدود سازند که یک رفتار، صدمه و سرزنشی شدید در پی دارد. هر جرم انگاری نوعی مداخله و ایجاد محدودیت فراروی حقوق و آزادی‌های افراد است. لذا در حقوق کیفری کرامت محور که پاسداری از حرمت و کرامت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

افراد، دلم شغولی سیاستگذاران کیفری است، در هر مورد از جرم انگاری باید چنان مصلحتی در حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد وجود داشته باشد که بر مفسده ناشی از محدود کردن این حقوق و آزادی‌ها چیرگی داشته باشد (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۷۲).

به عبارت دیگر جرم‌انگاری در مجموع باید مانع افزایش خودمختاری و باعث افزایش حرمت و حیثیت شهروندان گردد. در دنیای امروز با توجه به حضور زنان در اجتماعات مختلف، امکان رخ دادن پدیده نامطلوب علیه زنان بیشتر می‌شود(جلالی فرهانی،۱۳۸۹، ۱۵).

ارتکاب جرم علیه زنان بسیار بیشتر از قبل شده است. لکن زمانی باید به جرم انگاری از این پدیده نامطلوب پرداخته شود که آن فعل یا ترک فعل صدمه و سرزنش قابل توجهی را در پی داشته باشد. در واقع شناسایی جامع مخاطرات محتمل از ناحیه جرم بزه دیدگی جنسی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، پیش شرط قانونگذاری خوب و اجرای موفق قانون در این زمینه است (جوان جعفری،۱۳۸۹، ۳۱).

همان گونه که پیشتر هم اشاره شد، در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، بردگی جنسی جرم انگاری نشده است. این درحالی است که در اکثر کشورهای پیشرفته و در اسناد بین المللی این پدیده مدنظر قرار گرفته است (الهی منش و سدره نشین،۱۳۹۱، ۱۳).

بنابراین پیش شرط جرم انگاری بردگی جنسی، رعایت اصل صدمه و اصل سرزنش، است. اگر رفتاری که قانونگذار آن را جرم شناخته است به قدر کافی صدمه و سرزنش در پی نداشته باشد حقوق و آزادیهای افراد مخدوش خواهد شد و مردم عملاً از دستور قانونگذار مبنی بر عدم ارتکاب چنین رفتاری سرپیچی خواهند کرد، کما اینکه روزانه شاهد ارتکاب جرایمی از این دست هستیم.

۳-۲-اصل ضرورت

اصل ضرورت در جرم انگاری به این معنا است که استفاده از حقوق کیفری، برای عملی که قابلیت کنترل را دارد و نیز لازم است بر آن عمل نظارت وجود داشته باشد، در صورتی خواهد بود که آن عمل با استفاده از دیگر ابزارهای غیر حقوقی و حقوقی غیرکیفری، محدود نشده باشد و در ثانی، به کارگیری حقوق کیفری منوط به این است که بر اساس نیاز جدی و شدید همزیستی مسالمت آمیز، توسل به ابزار جزایی، ضرورت داشته باشد و این ضرورت، تابع مبانی و اصول است. بنابراین اگر ضرورت ناشی همزیستی مسالمت آمیز وجود نداشته باشد، وضع قوانین جزایی محدودیتی ناروا خواهد بود و مهمترین راه برای سنجش لزوم قوانین کیفری، تطبیق آن با واقعیتهای جامعه و نیاز آن است. اصل ضرورت به چیزی بیش از نیاز به جرم انگاری اشاره می‌کند و آن اینکه نباید جرم انگاری کرد، مگر اینکه دخالت، ضرورت داشته باشد و در ثانی این دخالت بر اساس مبانی و اصول بوده و همچنین مؤثر باشد (امیدی، ۱۳۸۸، ۲۵).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در همین راستا اصل ضرورت، بدون تأکید ویژه بر اولین و آخرین راه‌حل، جرم انگاری را در حالت ضرورت موجه می‌داند. حقوق کیفری دارای یک کارکرد خاص است و تا زمانی که این کارکرد مورد تحلیل قرار نگیرد، در تعلق رفتارها به حقوق کیفری همیشه می‌توان شک کرد و در صورتی که در میدان عمل رفتاری توسط سایر ابزارها کنترل نشد، استفاده از ابزار کیفری در صورتی خواهد بود که رسالت و فلسفه حقوق کیفری در آن عمل نمود یابد و صرف عدم موفقیت سایر ابزارها، توجیه کننده استفاده از ابزار کیفری نخواهد بود. در همین ارتباط بیان شده است: برداشت سطحی از این اصل می‌تواند این باشد، اگر ابزارهای غیرکیفری در نیل به اهداف قانونگذار بر ابزار کیفری ترجیح و برتری داشتند، نباید از ابزار کیفری استفاده کرد. این برداشت ابتدایی و ساده است؛ چراکه چیز خاص یا جدیدی را بیان نمی‌کند و این یک مسألهٔ پذیرفته شده است که ابزار غیرکیفری بر ابزار کیفری تقدم دارد. بر اساس برداشتی دیگر، در صورتی که ابزارهای غیر کیفری که همانند حقوق کیفری مؤثر هستند، وجود داشته باشند، نباید حقوق کیفری به کار گرفته شود (رحمدل،۱۳۸۲، ۲۰٤).

مهم‌ترین بایسته در زمینه جرم انگاری از یک عمل، ضرورت و ناگزیر بودن جرم شمردن آن عمل است لذا برای جرم انگاری از یک عمل پس از آنکه ثابت شد که رفتار براساس یک سلسله اصول نظری راجع به جرم انگاری در حیطه صلاحیت قضایی جامعه یا اقتدار دولتی قرار دارد؛ به عبارت دیگر باید اثبات شود که دولت به مداخله در حوزه حقوق و آزادیهای شهروندان از طریق ممنوعیت یا ایجاد محدودیت کیفری مجاز می‌باشد. باید دید که آیا راههای موفقیت آمیز دیگری وجود دارد که وقوع عمل را بدون به کارگیری ماشین نظام عدالت کیفری تقلیل دهد، یا نه؟(زینالی، ۱۳۸۷، ۳۰٦-۳۰۷).

اصل ضرورت در جرم انگاری بردگی جنسی جایگاه ویژه‌ای دارد و با اعمال این اصل به یک جرم انگاری حداقلی دست خواهیم یافت. چه آنکه به اقتضای شرایط خاص حاکم بر فضای امروزی و امکانات ویژه آن، به راحتی می‌توان قبل از رسیدن کار به مرحله جرم انگاری، از وقوع بسیاری از جرائم پیشگیری کرد. در واقع امکان پیشگیری از جرم اعم از پیشگیری اجتماعی یا وضعی بسیار مساعد است. پیشگیری اجتماعی و مقوله آموزش که در رهنمود عملی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد هم بر آن تأکید شده، امر خطیری است که به چند شکل به پیشگیری از بردگی جنسی و خشونت جنسی کمک می‌کند (رضوی،۱۳۸٦، ۱۲٤).

۳-۳-اصل احترام به حریم خصوصی

جرم انگاری و مجازات اگرچه مطلوب یک جامعه نیستند، اما اهدافی آرمانی را دنبال می‌کنند که اصلاح بزهکار، حمایت از جامعه در مقابل بزه و تحقق عدالت بخشی از آنهاست. به دلیل والا بودن این اهداف باید جرم انگاری، مجازات و برخورد با بزهکار به گونه‌ای باشد که موجبات نقض غرض را فراهم نکند. از این حیث، رعایت حریم خصوصی، کرامت انسانی و موازین بین المللی حقوق بشر حائز اهمیت ویژه‌ای هستند(جلالی فراهانی، ۱۳۸۹، ۵۸).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با توجه به آنچه گفته شد ملاحظه می‌شود که در قوانین مختلف به نحو بارزی بر رعایت حریم خصوصی تأکید شده است. نکته قابل تأملی که نباید از آن غافل بود این است که علاوه بر اینکه قانونگذار خود ملزم به رعایت حریم خصوصی افراد می‌باشد باید نگهبان حریم خصوصی کاربران در مقابل دیگران هم باشد. با این حال، متأسفانه در قانون مجازات اسلامی، تعریف مشخصی از بردگی جنسی را ارائه نکرده است.

۳-٤-اصل تناسب جرم و مجازات

تناسب بدان معنا است که ضمیر دلخواه تک تک افراد خواهان آن است. چرا که اساساً تناسب از مقوله زیبایی است و انسان فطرتاً بدان تمایل دارد. تناسب در حوزه مجازات و جرم بر این مبنا از عدالت استوار است که باید به هر کس به آنچه که متعلق و شایسته اوست، به او داد و در این معنا به مفهوم استحقاق است. هنگامی که از تناسب مجازات و جرم سخن به میان می‌آید بدان معنا است که باید میان این دو هماهنگی و توازن وجود داشته باشد. ارائه چنین معیاری از استحقاق به مفهوم تناسب موجب رعایت عدالت از سوی قانونگذار و مجریان در نظام کیفری خواهد شد (آنسل[1]،۱۳۹۲، ۷۷).

تئوری تناسب جرم و مجازات تحت تأثیر آموزههای مکاتب مختلف کیفری و جرم شناختی از جمله مکتب کلاسیک، نئوکلاسیک، مکتب تحققی و مکتب دفاع اجتماعی همواره در حال تحول و تکامل بوده است (حبیب زاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۷، ۱۱٦).

اهمیت این اصل باعث شده است که در سالهای اخیر و با پیدایش نهادهای بین‌المللی در سطح بین المللی و منطقه‌ای ماده (۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲ و ٤ کنوانسیون بین المللی منع شکنجه و رفتارها و مجازاتهای ظالمانه غیرانسانی و وحشیانه، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹٦۹، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱ و ماده ٤۹ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، اصل تناسب جرائم و مجازاتها و ممنوعیت مجازاتهای نامتناسب را به صورت صریح یا ضمنی مورد تأکید قرار دهند (حبیب زاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۷، ۱۱٦-۱۱۷).

میزان صدمه مستقیم و غیرمستقیم ناشی از بزه، فایده اجتماعی مجازات، نوع جرم ارتکابی، خصوصیات شخصیتی مجرم با مطالعه پرونده شخصیت و درجه تقصیر بزهدیده مهم‌ترین معیارهای تناسب جرم با مجازاتند. منظور از تناسب جرم و مجازات تنها تناسب در درجه شدت کیفر نیست بلکه تناسب میان جرم و مجازات هم در انتخاب نوع مجازات و هم در تعیین مقدار مجازات باید رعایت شود (حاجی ده آبادی،۱۳۸۹، ۳٤).

[1]- Ansel

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در بسیاری موارد انگیزه مرتکبان بردگی و خشونت جنسی برخلاف سایر مجرمین، انگیزه مالی و اخاذی نیست، بلکه درصد بالایی از آنها ناخواسته یا با انگیزه تفریح و لذت جنسی وارد این امر می‌شوند و گاهی به جهت سهولت ارتکاب، مرتکب جرائم مختلفی از جمله تجاوز به عنف و روابط نامشروع می‌شوند (جوان جعفری، ۱۳۸۵، ۳۲).

با توجه به ویژگیهای منحصربه فرد مجرمان در جرایم جنسی باید اظهار داشت به آن اندازه که جرائم و مجرمان سایبری از جهت تجربه و انگیزه مجرمانه متمایز از سایر مجرمان هستند. مجازات این جرائم نیز باید متفاوت باشد اصل تقصیر (قابل مجازات بودن) مستلزم تفکیک بر طبق مصالح مربوط، اعمال ارتکابی، وضعیت مرتکب، اهداف و دیگر عناصر روانی است (زیبر[1]، ۱۳۹۰، ۱۹۰).

اعمال مجازاتهای قدیمی برای جرائم نوین نه تنها اهداف مجازات را برآورده نمی‌کند بلکه تمامی آثار منفی اعمال مجازات، از قبیل معاشرت با بزهکاران حرفه‌ای، دوری از خانواده و پیامدهای منفی ناشی از آن و ... را به همراه دارد. اعمال مجازاتهای شدید در این جرائم، علاوه بر اینکه سودمند نیست، در عمل نمی‌تواند ممکن باشد، زیرا درصد بالایی از مجرمان را جوانان تشکیل می‌دهند تجربه کافی ندارد. همچنین «فردی کردن مجازات» درخصوص این جرائم ضروری به نظر می‌رسد. مجازات این بزهکاران باید شناور باشد زیرا این مجرمان از تنوع و گوناگونی شخصیتی بیشتری نسبت به سایر مجرمان برخوردارند. لذا باید اختیار قضات را در تعیین کیفر افزود تا بزهکاران را نه بیش از آنچه که سودمند است و نه بیش از آنچه عدالت اقتضا دارد مجازات کنند. درواقع دادرسان باید بتوانند در دعواهای مختلف، متناسب با شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر آن کیفر را تعیین کنند. نظام نرمش ناپذیر مبتنی بر قانون، احساس بی عدالتی ایجاد می‌کند، زیرا توانایی دستیابی به همه معیارهای بالقوه مرتبط با تعیین کیفر عادلانه را ندارد؛ صرفنظر از اینکه نمی‌تواند نیازهای بازپرورانه مجرم را در بر بگیرد (محمودی جانکی،۱۳۸۸، ٦٧٢).

این امر در مورد جرائم جنسی که دارای بزهکاران متنوع و با شرایط مختلف است نمود بیشتری دارد. انجام خدمات عام المنفعه به جای مجازات، یکی از جلوههای نوین عدالت ترمیمی است. عدالت ترمیمی که به آن عدالت احیاکننده نیز گفته می‌شود، تفکر جدیدی است که برترمیم و مقابله با آثار جرم در جامعه و به ویژه از طریق مشارکت ارکان مختلف جامعه مدنی (بزهدیده، بزهکار و مردم) تکیه می‌کند (رستمی، ١٣٨٦، ١٥٢).

۳-۵-جرم انگاری با توجه به امکانات دستگاه عدالت کیفری

در عرصه جرایم جنسی، جرم انگاری توجه جدی به امکانات و ظرفیتهای نظام عدالت کیفری را طلب می‌کند. به جهت ساختار نوین در ارتکاب جرایم بردگی جنسی و خشونت جنسی امکانات کشف جرم و دستگیری مجرم در حال پیشرفت است لکن متأسفانه این امکانات هنوز به آن مرحله از پیشرفت نرسیده است که پاسخگوی دستگاه عدالت کیفری باشد، زیرا پیشرفت فوق العاده سریع نیازهای اجتماع باعث ناشناس و مجهول بودن شیوههای نوین بزه شده

[1]- Zibar

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

است. برای دفع این احساس مجرمان، باید بر حتمیت و قطعیت مجازات تأکید و تمرکز کرد. به گونه‌ای که هیچ بزهکاری خود را دورزننده مجازات نبیند. درمجموع باید نظر داد که مجازات بردگی جنسی باید به دور از شدت و دارای حتمیت و قطعیت در اعمال باشد. شاید بتوان گفت به دلیل سرعت بالایی این پیشرفت، قانونگذار کیفری همیشه یک گام، بلکه بیشتر، عقب‌تر از این جرائم در حرکت است(جلالی فراهانی، ۱۳۸۹، ۱۱۸).

۳-٦-اصل مصلحت عمومی

مصلحت عمومی یکی از مهمترین و البته بحث برانگیزترین مفاهیم و معیارهای مطرح در حوزه فلسفه اخلاق و سیاست و حقوق است. فین برگ، براساس مبنای سودانگاری، «نفع رسانی به دیگران» را که ما مصلحت عمومی می‌نامد- به عنوان یکی از اصول جرم انگاری مطرح می‌کند. بر اساس آن محدود کردن حقوق و یا آزادی فردی برای تهیه و فراهم کردن منافع اشخاص دیگر، ضروری است و دولت برای جلب منافع دیگران – خواه فرد (بجز کننده کار یا رفتار) و خواه گروه یا اجتماع – می‌تواند فعل یا ترک فعلی را الزام و برای نقض آن ضمانت اجرای کیفری وضع کند. در این اصل از یکسو ادعا این است، که حکومت فقط مجاز به اقداماتی است که در جهت مصالح عامه قرار دارند و از سوی دیگر، اصل، خود می‌تواند توجیهی برای بسیاری از اقدامات دولتی قرار گیرد که در نگاه نخست اقداماتی غیر موجه و ناقض اراده آزاد اشخاص به شمار می‌رفتند. (راسخ،۱۳۸۷، ۸۵).

مصلحت عمومی، نه جمع عددی منافع فردی و نه همیشه همان چیزی است که در قوانین، مقررات و اراده صاحبان قدرت است. بلکه بنابر نظری فلسفی، جامعه، هویتی غیر از تابعان و افراد تشکیل دهنده آن دارد و در نتیجه دارای مصالحی علیحده نیز هست (مطهری،۱۳۷۱، ۳۳٦-۳۳۹).

در توجیه و دفاع از این اصل گفته‌اند، تحقق عدالت منوط به تصمیمی عمومی است که بر زندگی همگان اثر دارد و نفع جامعه نیز در آن است. بنابراین، حتی نابرابری هنگامی عادلانه است که به مصلحت همگان باشد و نه گروهی خاص. پس توجیه عقلانی مصلحت عمومی به منزله یکی از اصول جرم انگاری منوط به همگانی بودن واقعی آن است (راسخ،۱۳۸۷، ۲۷٦-۲۷۷).

مصلحت از جمله عناوینی است که در فقه اسلامی اعم از شیعه و سنی به طور گسترده و گاه با معانی کاملاً متفاوت، به چشم می‌خورد. آن چه مصلحت را در شریعت اسلام از مصلحت در مکاتب مادی جدا می‌سازد این است که در تمامی مذاهب اسلامی مصلحت از جانب خداوند با تقریر احکام مختلف برای تعالی مادی و معنوی انسان وضع گردیده است (البوطی، ۱۳۸٤، ۳۸).

مصلحت در اسلام به عنوان مبنای جرم انگاری برای بردگی جنسی اعتبار می‌یابد. در نتیجه مصلحت عمومی اصلی کلی است که قانونگذاران باید تابع آن باشند و بسته به نوع مصلحتی که قانونگذار برای حمایت از آن دست به جرم انگاری میزند، این اصل ممکن است تحت سیطره اصول دیگر قرار گیرد. لذا از مصلحت نمی‌توان به عنوان اصلی کاملاً مستقل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

یاد کرد. بنابر این با توجه به سیر تاریخی حقوق کیفری باید گفت که بخشی از ارزشها از نخستین قانونگذاران جوامع بشری به ما ارث رسیده، که بیشتر مبانی و اصول جرم انگاری در وهله اول در پی توجیه آنها و پس از آن به دنبال یافتن چرایی رفتارهای مورد جرم انگاری جدید هستند و از این روست که با تنوع رفتارهای مورد نهی قوانین کیفری برای توجیه سیاست جنایی نظام حقوقی خاص نمی‌توان تنها به یک اصل یا مبنا اکتفا نمود. چنان که میدانیم مباحث مربوط به مبانی و اصول جرم انگاری در ذیل مباحث سیاست کیفری نیز مطرح می‌شود. برخی بزرگترین عامل تفکیک میان نظامهای مختلف سیاست کیفری را در ایدئولوژی و به طور خاص دینی یا غیر دینی بودن آن می‌دانند (حسینی، ۱۳۸۳، ۲۹).

یکی از مصادیق مصلحت عمومی که در تمامی کشورها مورد پذیرش واقع شده است حفظ نظم و آرامش در جامعه و امنیت زنان و دختران است. از مهمترین مواردی که باعث حفظ نظم و آرامش جامعه می‌باشد این است که افراد با چشم خود اجرای عدالت را ببینند و در دل، احساس امنیّت نمایند. بنابراین رفتارهایی که باعث نقض حقوق افراد می‌گردد و اجرای مشهود عدالت را دچار خلل می‌نماید، مستحقّ جرم انگاری‌اند. از جمله مهمترین این اقدامات، فرار افراد از اجرای قوانین و مقررات می‌باشند، زیرا این رفتار هرچند در ظاهر هیچ ضرری به خود فرد یا سایر افراد جامعه نمی‌رساند که در قالبِ اصل ضرر، قابل جرم انگاری باشد، ولی به شدّت باعث نقض احساس عدالت در اجتماع می‌گردد و از این حیث، خلاف مصلحت عمومی بوده و لذا در کشورهای مختلف، یک جرم قابل کیفر شناخته می‌شود.

۳-۷- اصل اخلاق گرایی قانونی

اصل اخلاق گرایی قانونی به طور مستقیم به رابطه بین اخلاق و قانون مربوط می‌شود. بی گمان، حقوق و اخلاق از زمان پیدایش بر یکدیگر تأثیر داشته و دارند؛ هرچند که با توجه به سیّال بودن مفهوم اخلاق، این نظریّه همواره مورد تردید بوده است. وقوع رفتارهای مغایر با اخلاق عمومی امری مسلّم و انکارناپذیر است. آن چه در این میان مهم به نظر می‌رسد، نوع واکنش اتّخاذ شده از سوی حکومت در قبال رفتارهای ضداخلاقی است. راهبرد انتخاب شده از سوی برخی جوامع، نشان از جرم انگاری این گونه رفتارها دارد. اندیشه‌های لیبرالیستی قرون اخیر در جوامع غربی گرایش به سمت حمایت حداقلی از اخلاقیات دارد؛ در حالی که برخی نظام‌های حقوقی چون جمهوری اسلامی ایران بنا دارد از اخلاق حمایت بیشتری نماید که منابع روایی و فتاوی فقهی با تکیه بر قاعده «التعزیر لکلّ عمل محرّم» و مشروح مذاکرات مجالس قانونگذار بر این امر صحّه می‌گذارد (وروایی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۲).

آن چه در جرم انگاری بر مبنای اخلاق حائز اهمیّت است، این است که چه رفتاری غیراخلاقی محسوب می‌گردد تا مستوجب کیفر باشد؟ پاسخ به این سؤال در مفهوم اخلاق نهفته است. برخی معتقدند هنجارها یا احکام اخلاقی از ذهنیّت، باور، تعقّل یا احساسات فرد نشأت می‌گیرند و در اساس، نشان دهنده شکل مناسب رابطه با دیگری خواهند بود (محمودی جانکی، ۱۳۸۳، ۷٦٦).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این نظر در واقع، ادامه دهنده نظر هیوم است که اخلاق را وابسته به سرشت آدمی و در نتیجه ثابت می‌داند. اما برخی دیگر مانند هایک معتقدند که اخلاق همچون حقوق و زبان، بدون طرح و نقشه پیشین از درون زندگی مشترک آدمیان پدید آمده و پیش از پیدایش دولت وجود داشته است، لذا مضمون احکام اخلاقی ثابت نیست و برحسب نیازها و شرایط اجتماعی دگرگون می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۳، ۷٦۷).

فارغ از این که اخلاق امری ثابت است یا متغیّر، کسانی که نظر به جرم انگاری اخلاق به طور معتدل دارند، معتقدند که تنها رفتاری که به طور کلّی غیر اخلاقی شناخته می‌شود باید وارد حیطه کیفری شود. به عبارت دیگر، ضمانت اجرای کیفری باید به طور معمول به رفتاری محدود شود که بدون اختلاف نظر آشکار اجتماعی، غیر اخلاقی تلقّی می‌شود. تمام این مرزبندی‌ها میان دو مفهوم حقوق و اخلاق تنها ناشی از ضمانت اجرایی است که حقوق از آن بهره می‌جوید و اخلاق از آن بی بهره است. برخی چون مری وارنوک[1]، فیلسوف نامدار اخلاق بحث را این گونه مطرح می‌کنند که چگونه می‌توان از یک سو حقوق را در خدمت تقویت نظام اخلاقی جامعه گرفت و از سوی دیگر قلمرو اخلاق شخصی را از دسترس حقوق بیرون نگاه داشت (نوبهار،۱۳۸۷، ۳۰۹).

در جرایم جنسی، غیراخلاقی بودن آشکار بسیاری از این رفتارها چون تجاوز به عنف، آزار و اذیت جنسی، افشای اطلاعات جنسی و..... مسلّم است، اما چون جرم بودن این رفتارها در قالب اصول جرم انگاری ضرر یا مصلحت عمومی قابل توجیه است، بایستی ببینیم کدام مصداق از جرائم مذکور فقط در قالب اصل اخلاق گرایی قانونی قابل جرم انگاری است؟ به نظر می‌رسد در پاسخ به این سؤال، می‌توان بزه افشای اطلاعات جنسی را یاد آور گردید. این جرم غالباً در دو فرض درنظر گرفته شده است: فرض اول، افشای اسرار محرمانه و به شدت خصوصی و مهم و فرض دوم، افشای اسناد و اطلاعات عادی افراد مانند عکس و موارد عادی. در فرض اول فرد با افشای اطلاعات مهم و خانوادگی، موجبات تضعیف امنیت قضایی می‌گردد، و اقدام این فرد، مورد توجه مصالح عمومی جامعه است، لذا جرم انگاری این رفتار حاکی از مسئولیت پذیری فرد مطّلع و عدم توجّه وی به مصالح عمومی جامعه می‌باشد؛ لذا جرم انگاری این رفتار نیز پیش از آن که بر مبنای اخلاقی باشد مبتنی بر مصلحت گرایی اجتماعی می‌باشد.

اما در حالت دوم، افشای اطلاعات عادی افراد، با توجه به عدم با ارزش بودن این اسناد، از نظر غالب مردم امری غیر اخلاقی تلقّی نمی‌گردد. بر این اساس جرم انگاری بر مبنای اخلاق گرایی یکی از اصول حاکم بر جرم انگاری بردگی جنسی محسوب می‌گردد.

۳-۸-اصل رفاه

در زمرهٔ بدیهی و عمده‌ترین اصول و مبانی جرم انگاری بردگی جنسی، اصل دفاع از منافع و مصالح عمومی (اصل رفاه) است، تا جایی که می‌توان نقش حقوق کیفری را در تأمین ضابطه مند و نهادین نظم اجتماعی یعنی نظمی که برای تداوم

[1]-Merry Warnock

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

و بقای جامعه ضرورت دارد، خلاصه نمود. بر این مبنا، اندیشمندان و حقوقدانان یکی از اصول محدودکنندهٔ آزادی را اصل نفع رسانی به دیگری می‌دانند که عمل به آن برای تدارک و فراهم نمودن منافع سایر اشخاص، جز فردی که آزادی یا حقوق او محدود شده، ضروری است. بر این اساس، اصل رفاه را می‌توان به پاسداری و حمایت کردن از وابستگی‌های اساسی ملت، نظیر حفظ و مراقبت از ایمنی، سلامت، توانایی و امکان در پی گرفتن سبک زندگی شخصی به انتخاب خود فرد تعریف نمود. بدینسان حتی زمانی که آسیب‌های مذکور مستقیماً متوجه فرد معین است، عملی ضداجتماعی تلقی می‌شوند، به دلیل آنکه به نظمی که جامعه برقرار کرده است، آسیب می‌زنند، زیرا ورای منافع خصوصی بزهدیدگان اصلی جرائم، منافع و ارزش‌های اجتماعی نیز آسیب می‌بینند، از این رو حتی زمانی که اقدامات مجرمانه، منافع خصوصی اشخاص را مورد تعدی و تجاوز قرار می‌دهند، این گونه اعمال به دلیل آن که نظام اجتماعی را مخدوش ساخته‌اند و خطوط قرمز و هنجارهای حاکم بر اجتماع را زیر پا گذارده‌اند، ضداجتماعی تلقی می‌شوند. لزوم رعایت نظم عمومی و حفظ نظام اجتماعی، مهم‌ترین عرصه‌ای است که اصل رفاه در آن به فعالیت می‌پردازد. نظم عمومی عبارت است از: لزوم تأمین مصالح و منافعی که برای حفظ نظام اجتماعی ضروری هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۵۱).

قاعدهٔ نظم عمومی را اخلاق، مذهب، ساختار اقتصادی، نظام حقوقی و سیاسی و فرهنگ ملی در هر قوم فراهم می‌آورد. چنانکه نظام جامعهٔ سرمایه داری با سوسیالیستی یکسان نیست، چرا که قواعد و ارزش‌های مبنای نظم در آنها گوناگون است. به طور کلی تمامی امور مربوط به منافع عمومی و مصالح اجتماعی در حیطهٔ قلمرو نظم عمومی جای می‌گیرند و عوامل مخل در این موضوع که سبب آسیب به جامعه می‌شوند، خلاف مصالح و نظم عمومی محسوب می‌شوند و آنها را می‌توان بر مبنای اصل رفاه، مورد جرم انگاری قرار داد. بر این اساس بردگی جنسی با توجه به آسیب به منافع اجتماعی و مصالح آن، خلاف نظم عمومی محسوب شده و برابر اصل رفاه مورد جرم انگاری قرار می‌گیرند.

۳-۹-اصل اباحه

مراد و مفاد اصل اباحه آن است که هرگاه نسبت به حرمت وحیلت چیزی تردید وجود داشته باشد، چنانچه با بررسی دلیلی بر حرمت آن یافت نشد حکم به حلیت آن داده می‌شود. در واقع بر اساس این اصل هرگاه در منع یا جواز چیزی یا عملی شک نماییم، اصل بر صحت و جواز آن است و بر اساس آن انسان حق هرگونه دخل و تصرفی در دنیای خارج را دارد، مگر آن که دلیلی بر منع آن وارد شده باشد (محقق داماد،۱۳۹۲، ۲٤).

به اعتقاد برخی از فقها مردم در همه اشیاء آزادند مگر آن که در مورد آن‌ها نهی وارد شود و به اعتقاد یکی از فقها «فاما بعد استقرار الشرایع فالحکم ان کلشی لا نص فی خطره فانه علی الاطلاق لان الشرایع تثبیت الحدود و منیرت المحظور علی خطره فوجب ان یکون ما عداه بخلاف حکمه؛ یعنی پس از استقرار شرایع حکم آن است که هر چه در آن نصی در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

منع نباشد آزاد و مطلق است چون شرایع حدود را تعیین و امور ممنوعه را مشخص کرده است بنابراین بایستی ما بقی آن امور ممنوع نباشد»(مفید،۱٤۱۱ ه،۱٤۳).

با توجه به اینکه اصل برائت کیفری نیز بیان می‌دارد که اصل بر اینست که هیچکس مظنون متهم و مجرم نیست مگر به اتکاء دلایل و قرائن قابل استناد، بنابراین رفتار گفتار و پندار افراد مصون از هر گونه تعرض است، مگر در مواردی که قانون تصریح کرده باشد. به عبارتی دیگر به حکم عقل و به استناد اصل اباحه هیچ عملی ممنوع قابل تعقیب نیست افراد مجازند کلیه افعالی را که اراده کنند انجام بدهند، مگر آن که به واسطه حکم صریح قانونی از انجام آن منع شده باشند. اصل اباحه که در حقوق عرفی و در مباحث فقهی بسیار مورد توجه قرار گرفته است به عنوان یکی از منابع اصل برائت کیفری محسوب می‌گردد (شاملو،۱۳۹۰، ۲۰۷).

کارکرد کیفری این اصل در حقوق جزا تحت عنوان اصل انعکاس یافته است. مطابق اصل قانونمندی حقوق کیفری اولاً هیچ عملی جرم نیست، مگر آنکه قبلاً از طرف قانونگذار جرم اعلام شده باشد، ثانیاً هیچ مجازاتی نمی‌تواند مورد حکم قاضی قرار گیرد مگر آنکه آن مجازات قبلاً توسط قانونگذار برای آن جرم وضع شده باشد ثالثاً هیچ دادگاهی صلاحیت رسیدگی به جرمی را ندارد مگر اینکه قانونگذار آن دادگاه را صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه آن هم بر اساس شرایط مقرر در قانون در واقع بایستی اصل قانونمندی حقوق کیفری را یکی از پشوانه های اصل برائت کیفری دانست. بنابراین، اصل بر آزادی عمل در افراد و اباحه در اعمال و رفتار اوست و تکالیف نیز در این راستا وضع گردیده‌اند. پس، تکلیف خود نیازمند دلیل زاید است و تا زمانی که دلیلی بر تکلیف افراد ارائه نگردد اصل بر اباحه و برائت است. مطابق اصل اباحه، اعمال ممنوعه و جرایم به وسیلهٔ شارع بیان شده‌اند. چنانچه ممنوعیت رفتاری از سوی شارع اعلام نشده باشد و یا مجازات فعل یا ترک فعل یا قابلیت مجازات آن بیان نشده باشد، نمی‌توان چنین رفتاری را جرم انگاشت، در این موارد اصل اباحه است و هیچ رفتاری حرام نیست و هیچ فعلی واجب نمی‌باشد مگر آن که بر حرمت یا وجوب آن دلیلی از منابع شریعت وجود داشته باشد و در صورتی که دلیلی محقق نباشد، باید آن رفتار را مباح و جایز فرض نمود. از اینرو، جرم انگاری رفتارهای مباح و مجاز، به وسیله قانونگذار خلاف اصل است. بلکه مجازات به خاطر رفتار مجاز حرام است؛ زیرا بر پایهٔ اصول اسلامی مقتضای اصل، حرمت حبس، حرمت اخذ مال بدون رضایت و سایر اقدامات مشابهی است که به مثابهٔ مجازات، تعیین و اعلام می‌شوند.

نتیجه گیری

بردگی جنسی، امری پنهان است، زیرا بسیاری از زنان در جوامع مختلف به دلایلی همچون مجازات سخت و عدم حمایت‌های قانونی از ابراز آن خودداری می‌کنند. خشونت علیه زنان مرز نمی‌شناسد، محدود به جوامع عقب مانده نیست. در همه جای دنیا زنان کم و بیش مورد انواع خشونت‌های جسمی، جنسی و کلامی واقع می‌شوند. متأسفانه در مورد ایران هرگز آمار درست و مشخصی در مورد خشونتی که در خانه بر زنان اعمال می‌شود منتشر نشده ... از طرفی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

باورهای مردسالار به نوعی این خشونت را طبیعت مرد می‌داند و سعی می‌کند آن را توجیه کند و به زنان می‌قبولاند که زن با لباس سفید به خانه بخت می‌رود و هر چه که بر سرش آید باید با کفن سفید از آن بیرون بیاید. با توجه به اینکه بردگی در قالبی پست‌تر و مدرن‌تر در فرمت بردگی جنسی در قرن حاضر شیوع بی‌رویه‌ای داشته و در حال گسترش است و اصول اخلاقی و ارزش انسانی در حال ریزش است و انجام این جنایت‌ها به‌گونه‌ای است که خطرات کمی مرتکبان آن‌ها را تهدید می‌کند باید تدابیر اساسی اندیشیده شود و به‌طور قاطع و منسجم برای پیشگیری و کاهش بردگی جنسی اقدام کرد. البته انجام این جرائم در سطح وسیع نمی‌تواند بدون پشتوانه دولتی باشد و از چشم دولت‌ها دور بماند چراکه در بعضی کشورها این جرائم منبع درآمد مهمی محسوب می‌شوند و دولت‌ها برای آن حساب ویژه‌ای باز می‌کنند. انجام این جرائم در سطح وسیع و سازمان‌یافته صورت می‌گیرد. در این میان هرچند اقدامات پس از وقوع حادثه نیز مدنظر است؛ اما قبل از آن باید در صورت امکان از وقوع این‌گونه جرائم پیشگیری کرد و راه‌حل‌های اساسی در این زمینه ارائه داد.

همان طور که می دانیم، هدف حقوق، ایجاد و تضمین نظم در جامعه است. ملتزم شدن به نظم حقوقی و قبول محدودیتهای ناشی از آن، وابسته به بهرهمندی بهینه انسان از آزادی و امنیت است. جرم انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای نقض ارزشهای اساسی، ابزاری در دسترس نظم حقوقی برای حمایت از ارزشها است. حفظ حرمت و کرامت انسان و احترام به آزادی او و از جمله آزادی باور دینی از ارزشهای مهمی است که حمایت از آن بر عهده نظم حقوقی است. جرم انگاری، متضمن اصول مختلفی است. در بحث جرم انگاری بردگی جنسی می توان گفت در حقوق کیفری ایران و حقوق کیفری بین المللی، با بهره‌گیری از اصول جرم انگاری از جمله اصل ضرورت، اصل مشروعیت و اصل مصلحت عمومی می‌توان به جرم انگاری بردگی جنسی پرداخت. قانونگذار همواره با در نظر داشتن مبانی رفتاری را جرم انگاری مینماید اما این مبانی و دلایل معمولا مورد تصریح قانونگذار قرار نمی گیرد و اصولا نمی توان مبنای صریح جرم انگاری بسیاری از اعمال و رفتارها را از متن قوانین استنتاج کرد. با بررسی مبانی فلسفی جرم انگاری دلایل و توجیهات متعددی به منظور جرم دانستن این قبیل اعمال و رفتارها ذکر می گردد؛ دلایلی مانند اینکه گاه این اعمال باعث صدمه زدن به خود شخص و یا انسان دیگری می شود؛ که از آن به عنوان اصل ضرر یاد می شود و در قالب این اصل به تحلیل فلسفی جرم پرداخته و ذکر می شود نوعاً جوامع، رفتارهایی را غیرقابل تحمل میدانند که آسیب و صدمه مشهودی را برای فردی از افراد یا کل جامعه در پی داشته باشد. از منظر مبانی اخلاقی در جرم انگاری بردگی جنسی نیز می توان گفت که بسیاری از قوانین وضع شده برای جلوگیری از گسترش رفتارهای غیراخلاقی است و قانونگذار ایران به حرمت های مذهبی و اخلاقی جرم ها بر ضد حیثیت و شرافت انسانی توجهی ویژه دارد. همچنین بر مبنای حقوقی، قانونگذار کیفری از جرم انگاری یک رفتار اهداف خاصی را دنبال می کند لکن هنگامی که این جرم انگاری بدون معیار و ضابطه صورت گیرد نه تنها این اهداف محقق نمی شود بلکه چهره دستگاه عدالت کیفری مخدوش می گردد؛ بنابراین برای جرم شمردن یک رفتار ضروری است اصول و قواعد حقوق کیفری و اقتضائات خاص یک جرم کاملا رعایت شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

منابع

قرآن کریم.

آقابابایی، حسین(۱۳۸٤)، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

توجهی، عبدالعلی(۱۳۹۵)، سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان، مجله مجتمع آموزش عالی، شماره٤.

جوان جعفری، عبدالرضا(۱۳۸۹)، جرائم سایبر و چالش های نوین سیاست کیفری، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن حقوق و چالشهای آن، دانشگاه فردوسی، مشهد.

حاجی ده آبادی، احمد و سلیمی، احسان(۱۳۹۳)، اصول جرم انگاری در فضای سایبر(با رویکردی انتقادی به قانون جرائم رایانه ای)، فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد، شماره ۸۰.

حبیب زاده؛ محمدجعفر و همکاران(۱۳۸۰)، تورم کیفری، عوامل و پیامدها، مجله مدرس علوم انسانی، شماره٤.

دهقان، حمید(۱۳۸٦)، تاثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، موسسه انتشارات مدین، قم.

زینالی، امیرحمزه(۱۳۸۷)، ارزیابی گستره مداخلات قانونگذار کیفری ایران در حوزه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره۳٤.

غلامی، حسین(۱۳۹۰)، درآمدی بر آسیب شناسی سیاستگذاری جنایی در قبال پیشگیری از تکرار بزهکاری و بزه دیدگی در ایران، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱.

قائمی، علی(۱۳۸۹)، ترس و اضطراب در کودکان، چاپ اول، انتشارات انجمن و اولیا و مربیان، تهران.

کاتوزیان، ناصر(۱۳۹٤)، فلسفه حقوق، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.

کار، مهرانگیز(۱۳۸۹)، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.

کلارکسون، کریستوفر(۱۳۷۱)، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میر محمد صادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

مجلسی، محمدباقر(۱٤۰۳ه)، بحارالانوار، جلد دهم، المکتبه الاسلامیه، قم.

محمدی، زهره(۱۳۹۰)، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه۸۰، نشر شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، تهران.

محمودی جانکی، فیروز(۱۳۸۲)، مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری، رساله دوره دکتری، دانشگاه تهران.

مرعشی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۹)، مبانی فقهی مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی ـ کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، انتشارات روزنامه رسمی، تهران.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مشکینی، علی(۱۳۷٦)، اصطلاحات الصول و معظم ابحاثها، الهادی، تهران.

معتمدی مهر، مهدی(۱۳۸۷)، حمایت از زنان در برابر خشونت، سیاست جنایی انگلستان، انتشارات زیتون، تهران.

معین، محمد(۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.

مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۸۳)، تعزیر و گستره آن، انتشارات مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع)، قم.

منتسکیو، شارل(۱۳۸۹)، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، انتـشارات امیر کبیر، تهران.

مولاوردی، شهیندخت(۱۳۸۵)، خشونت علیه زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

میر محمد صادقی، حسین(۱۳۹٦)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات میزان، تهران.

میریان، سیده سارا (۱۳۹۱)، بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌الملل حقوق بشر با مطالعه موردی حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

نوربها، رضا(۱۳۹٤)، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر داد آفرین، تهران.

وروایی، اکبر و همکاران(۱۳۹۳)، تأثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

Feasibility study of criminalizing sexual slavery in Iranian criminal law

Ehsan Rafieizadeh[1]

Sajjad chehel Gerdi[2]

Abstract

Sexual slavery as an organized crime has become widespread and widespread in the 21st century, due to the lack of strong enforcement guarantees and comprehensive laws, and the ability to respond to these atrocities with human dignity. The phenomenon of the century is increasing day by day. Various factors such as problems and poverty, ignorance, change of position and similar factors have caused this global problem. Sexual violence, a broader term than sexual slavery, covers a wide range of cases, and throughout history, both in international treaties on armed conflict and in rulings issued by international criminal courts, especially in the former Yugoslav and Yugoslav criminal courts. It is considered an international crime with several criminal titles. The present study uses a descriptive-analytical method to investigate the feasibility of criminalizing sexual slavery in Iranian criminal law and international criminal law. The findings show that this phenomenon is increasing rapidly in Western countries and is seen as a source of income that makes the most profit for smugglers at the lowest cost; Therefore, by criminalizing these crimes at the national and international levels, we can see a reduction in this phenomenon, but unfortunately, in the criminal law of Iran, a crime of sexual slavery is not criminalized. But regarding the feasibility of criminalization of this phenomenon, it can be said that by using principles such as the principle of necessity, legitimacy, public interest, etc., it can be said that there is a possibility of criminalization of sexual slavery

Keywords: criminalization, sexual slavery, sexual violence, sexual trafficking, Iranian criminal law.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[1] [1]- Graduated from Master of Criminal Law and Criminology, **Islamic Azad University**, Shahrekord Branch

[2] Graduated from Master of Criminal Law and Criminology, **Islamic Azad University**, TIRAN Branch